

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بررسی مفهوم عشق در اشعار ایرج میرزا، (بررسی موردی: شعر قلب مادر، فرزندان، مثنوی زهره و منوچهر)

مهدی فلاح پور^۱، فرزاد بالو^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

۲- دکترای تخصصی زبان و ادبیات فارسی، دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و زبان های خارجی دانشگاه مازندران

Mehdi.fallahpour2019@gmail.com

f.baloo@umz.ac.ir

چکیده مقاله:

عشق، یکی از مسائلی است که در طول تاریخ از آن بحث شده و کتاب های مختلفی هم در این زمینه نوشته شده، که از جمله این کتاب ها می توان به کتاب های ادبی و روانشناسی به طور گسترده اشاره کرد، در واقع مفهوم عشق چیزی بوده که بزرگان ادبیات در طول تاریخ در مورد کیفیت و شدت آن بحث های بسیاری کرده اند. در کنار آن هم حتی برخی از علوم امروزی هم مانند روان شناسی و جامعه شناسی از آن صحبت کرده اند. چیزی که سعی شده در این مقاله مورد بررسی قرار گیرد مفهوم عشق در نوشته های ایرج میرزا است که شامل عشق به مادر، عشق به وطن و عشق به معشوق و معشوقه است. روشی را که برای این کار انتخاب شده روش کتاب خانه ای بوده که با بررسی موردی چند شعر ایرج شکل گرفته است. لازم به ذکر است که عشق در اشعار ایرج میرزا فاقد مفهوم عرفانی و الهی است و بیشتر جنبه عینی دارد.

کلمات کلیدی: عشق، ایرج میرزا، روان شناسی، ادبیات، مادر، وطن

مقدمه:

یکی از مهم ترین موضوعاتی که بر اعتبار یک مقاله می افزاید پی ریزی روش و اصول متناسب با طرح تحقیق است. هر نویسنده ای باید این نکته را در نظر بگیرد که داشتن روش مناسب می تواند در بهترین یاری رسان نویسنده برای جمع بندی و تنظیم اطلاعات درون متنی باشد. اما بنده به عنوان محقق این اثر برای آنکه بهترین روش ممکن را پی ریزی به طرح ذهنی مسأله تحقیق پرداختم. از اینجا بود که عنوان تحقیق را پیدا کردم و عنوان این بود «بررسی مفهوم عشق در اشعار ایرج میرزا». بعد از کمی تأمل دریافتم که بررسی این مطلب موضوع ساده ای نیست و اگر با روحيات و احوال شاعر آگاه نباشم نمی توانم به بررسی این مسأله بپردازم. پس برخی از سوالات را در ذهن خود مطرح کردم و آن را در صفحه کاغذ جاری ساختم. برخی از سوالات بنده از این قرار بود. تعریف عشق از دیدگاه متفکران، روانشناسان و شعرا چیست؟ وضعیت عشق عرفانی در اشعار ایرج چگونه است. آیا ایرج عشق به مادر را والاتر از عشق های دیگر می دانست؟ آیا ایرج عاشق وطن بود و یا از سر علاقه و تفنن اشعاری درباره وطن خواهی می سرود؟ به همین خاطر با بررسی این سوالات

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

منابع مرتبط را پیدا کردم و به تجزیه و تحلیل مفهوم عشق بررسی پرداختم تا از این طریق طبع تشنه خوانندگان را سیراب سازم.

تعریف عشق از دیدگاه ادبیات فارسی

بیان و تعریف مساله

عشق در ادبیات فارسی، از جنبه عشق حقیقی و عشق مجازی در شعر شاعران، مورد بررسی قرار می گیرد. عشق ودیعه ای الهی است که در وجود انسان نهاده شده و با ذات و فطرت وی عجین شده و انسان پیوسته به دنبال معبود و معشوق حقیقی بوده است. مولانا می گوید:

ناف ما بر مهر او ببریده اند عشق او در جان ما کاریده اند

گفته شده که عشق راه رسیدن انسان را برای رسیدن به سعادت و کمال میسر می سازد و اساساً خداوند آدمی را خلق کرد، تا عاشق باشد و تفاوت انسان با فرشته در این است که فرشته از درک عشق عاجز است و عشق خاص انسان است و از روز ازل در وجود او نهاده شده است. به قول حافظ:

در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد عشق پیدا شد و آتش به هم عالم زد
جلوه یی کرد رخت، دید ملک عشق نداشت عین آتش شد ازین غیرت و بر آدم زد

حسین به منصور حلاج، عارف مشهور پارسی، جان خود را نثار عشق الهی می کند و شاعران در اشعار خود از او چنین یاد کرده اند.

در مدرسه کسی را نرسد دعوی توحید مژگله مردان موحد سردار است
گفت آن یار کزو شد سر دار بلند جرمش این بود که اسرار هویدا می کرد

(حافظ)

ریشه عشق را از «عشقه» دانسته اند. عشقه نام گیاهی است که در زبان فارسی به آن «پیچک» می گویند. این گیاه به دور گیاهان می پیچد و آن ها را زرد و خشک می کند. عشق نیز با وجود عاشق چنین می کند. نکته عشق پیش از اسلام در ادبیات عرب وجود نداشت و پس از اسلام وارد ادبیات عرب شده و به تبع آن در ادبیات فارسی راه یافته است. ظاهراً نخستین بار شهید بلخی (وفات ۳۲۵ هـ. ق) از این واژه در شعر استفاده کرده است. در ادبیات فارسی عشق را می توان از دو جنبه مورد بررسی قرار داد عشق مجازی یا انسانی و عشق الهی عشق الهی یا عشق عرفانی.

عشق مجازی یا انسانی که عشق ورزی به هم نوع است، از آغاز در ادبیات فارسی مطرح بوده و در آثار اولین شاعران پارسی زبانان، چون رودکی، فرخی، و منوچهری وجود دارد.

فرخی عشق را این گونه تعریف می کند:

وای آن کو به دام عشق آویخت عشق بر من و رعنا بگشاد
خنک آن کو ز دام عشق رهاست عشق سر تا به سر عذاب و عناست

منوچهری درباره عشق چنین می گوید:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

حکیمانه زمانه راست گفتند که جاهل گردد اندر عشق عاقل!

فخرالدین اسعد گرگانی داستان عاشقانه ای در نیمه اول قرن پنجم به نظم کشیده که داستانی است به جای مانده از دوران اشکانیان به نام «دیس ورامین»

سزد عشق را جز عشق دیگر چرا یاری نگیری زو نکوتر

فردوسی نیز در شاهنامه داستان های معروف عاشقانه ای چون زال و رودابه و رستم و تهمنه و بیژن و منیژه را به نظم کشیده است. وی در دل دادگی زال به رودابه می گوید:

دل زال یک باره دیوانه گشت خرد دور شد عشق فرزانه گشت

اوج داستان های عاشقانه را می توان در آثار نظامی چون لیلی و مجنون و خسرو و شیرین دید. مهارت نظامی در سرودن مثنوی باعث شد که شاعران بعدی در تمام دوره های ادبی زبان فارسی از او تقلید کنند. نظامی در شیفتگی مجنون به لیلی می گوید:

مجنون چو شنید پند خویشان زد دست و درید پیرهن را
از تلخی پند شد پریشان کاین مرده چه می کند کفن را
چون وامق از آرزوی عذرا گه کوه گرفت و گاه صحرا ...

سعدی شاعر نامدار شیراز، یک باب از گلستان بوستان را به عشق اختصاص داده و غزلیات وی نیز سراسر سخن از عشق است. وی عشق را لازمه انسان بودن می داند:

سعدی همه روزه عشق می باز عشق بازی چیست سر در پای جانان باختن
تا در دو جهان شوی به یک رنگ با سر اندرکوی دلبر عشق نتوان باختن

مهم ترین پیام دیوان لسان الغیب حافظ شیرازی، عشق است و بنا به گفته آقای خرمشاهی عشق در غزلیات حافظ به سه قسم است: الف) ادبی اجتماعی ب) انسانی زمینی ج) عرفانی
بیت های زیر نمونه هایی از عشق مجازی است:

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را سرو چمان من چرا میل چمن نمی کند
به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را همدم گل نمی شود یاد دمن نمی کند

عشق مجازی یا عشق به هم نوع، از نظر عرفا وسیله و مقدمه ای است برای رسیدن به عشق حقیقی، به شرط اینکه احساسات معنوی را برانگیزد و عاشق به کمال برسد. در غیر این صورت از نظر عرفا مذموم است.

عشق ز اوصاف خدای بی نیاز عاشقی بر غیر او باشد مجاز

عشق مجازی در اصل پرتویی از عشق حقیقی و الهی است، زیرا حسن و زیبایی که در جهان است جلوه ای از شاهد ازلی است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مزیت عمده عشق انسانی و مجازی آن است که موجب تزکیه نفس و دوری از خودخواهی و منیت در انسان می شود، به طوری که عاشق دیگری را بر خود مقدم می دارد و در را معشوق، فداکاری و ایثار می کند. لایبنستی حکیم آلمانی (۱۷۱۶-۱۶۴۶) در تعریف این نوع عشق می گوید:

«تمتع بردن از سعادت غیرست و این که انسان سعادت دیگر کس را بر سعادت خویش برتر شمرد»
عشق یقین، عشق به ذات خداوند است که خیر و کمال مطلق است.

«او (افلاطون) عشق مجازی را باعث خروج جسم از عقیقی و به وجود آمدن فرزند و ابقای نوع می داند و عشق حقیقی را نیز سبب خروج روح از عقیقی و رهایی از نازایی دانسته که سبب درک اشراق و زندگی جاوید و شناخت جمال حق و نیکی مطلق و حیات روحانی می شود.»

در تمامی مکتب های عرفانی از جمله عرفان اسلامی، عشق اساسی ترین و مهم ترین مسأله محسوب می شود و در اصطلاح تصوف و عرفان، اساس و بنیاد هستی بر عشق نهاده شده و محبت پایه و اساس زندگی و بقای موجودات عالم را موجب می شود و جنبش و حرکت زمین و آسمان و هم موجودات به وجود عشق وابسته است به قول نظامی:

گر از عشق آسمان آزاد بودی کجا هرگز زمین آباد بودی

«مرحوم دکتر غنی، درباره این مسأله چنین نوشته است:

ماحصل عقیده عارف در موضوع محبت و عشق این است که عشق غریزه الهی و الهام آسمانی است که به دور آن، انسان می تواند خود را بشناسد و به سرنوشت خود واقف شود.»
حافظ چنین می گوید:

سخن عشق نه آن است که آید به زبان ساقیا می ده و کوتاه کن این گفت و شنفت

نخستین بار شیخ ابوسعید ابوالخیر، اشعار عاشقانه فارسی را آن طور که موافق با طبع صوفیه بود، شرح و تفسیر کرد و با تصوف در آمیخت. امام محمد غزالی بزرگ ترین امام و فقیه عصر خود بود. وی فتوا داد صوفیان پاک نیت می توانند اشعار عاشقانه را در مراسم سماع بخوانند. این امر نیز در وارد کردن شعر عاشقانه در تصوف، موثر بود. نخستین جلوه گاه عشق عرفانی و آمیختن عرفان با شعر در آثار سنایی شاعر بزرگ قرن پنجم و ششم هجری می توان دید. این شاعر در اثر مشهورش «حدیقه الحقیقه» فصلی با نام و عنوان فی ذکر العشق و فضیله دارد می گوید:

دلبر جان ربای عشق آمد سر بروسر نای عشق آمد
عشق با سر بریده گوید راز ز آن که داند که سر بود نماز

پس از سنایی، عطار نیشابوری عارف نامدار قرن ششم که خود وادی های معرفت را طی کرده در منطق الطیر از هفت وادی نام می برد و وادی دوم عشق است و در بیان آن گوید:

بعد از این وادی عشق آید پدید کس در این وادی به جز آتش مباد
عاشق آن باشد که چون آتش بود غرق آتش شد کسی کانجا رسید
و آنکه آتش نیست عیشش خوش مباد گرم رو، سوزنده سرکش بود ...

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مولانا جلال الدین رومی، هستی را بدون وجود عشق قابل تصور نمی داند، مثنوی مولانا فهم عشق الهی است. وی گوینده مثنوی را معشوق می داند و می فرماید:

ما چو چنگیم و تو ز خوئی زنی
آتش عشق است کاندر بن فتاد
زاری از ما نی تو زاری می کنی
جوشش عشق است کاندر می فتاد

بیشترین بخش غزلیات دیوان مولوی، ناشی از عشق معنوی و جاذبه روحانی انسان کامل و محبوب مولوی شمس تبریزی است، عشقی که سبب تحول عظیم در مولانا شد:

مردم بدم زنده شدم گریه بدم خنده شدم
دیده سیر است مرا، جان دلبرست مرا
دولت عشق آمد من دولت پاینده شدم
زهره شیرست مرا زهره تابنده شدم

همانطور که پیش از این ذکر شد، عشق، خواه حقیقی، خواه مجازی، سبب تحول اخلاق و تزکیه نفس می شود و صفایی چون بخشندگی و سخاوت و شجاعت و بی اعتنایی به مادیات و دل بستگی های دنیوی و پرهیز از خودخواهی و نخوت در اثر تاثیر عشق است. مولانا در این باره گفته است:

هر که را جامه ز عشقی چاک شد
مرجبا ای عشق خوش سودای ما
ای تو افلاطون و جالینوس ما
او ز حرص و عیب کلی پاک شد
ای طیب جمله علت های ما
ای دوای نخوت و ناموس ما

اما عشق که در وحله اول آسان می نماید، راهی است بی پایان و خطرناک که در نهایت موجب هلاک عاشق می شود و به قول حافظ:

ایا ایها الساقی ادر کاساً و ناولها
را هیست راه عشق که هیچش کناره نیست
که عشق آسان نمود اول ولی افتاده مشکلها
آن جا جز آنکه جان بسپارند چاره نیست

تقابل عقل و عشق:

فقها از به کار بردن عشق درباره خداوند مخالف بوده اند و این موضوعی بوده که اختلاف نظر . دشمنی میان عارف و فقیه را در پی داشته و از نظر فقیه، عقل و استدلال برای رسیدن به معرفت و کمال لازم و کافی است. در حالیکه عرفا قدرت عشق را برتر از عقل دانسته اند و عشق الهی در مبارزه با عقل همواره پیروز بوده است. سعدی گفته است:

آن جا که به عشق خیمه زند جای عقل نیست
و آن گه که عشق است تطاول دراز کرد
غوغا بود دو پارشه اندر ولایتی
معلوم شد که عقل ندارد کفایتی

عین القضاات همدانی در برتری عشق گفته است:

«عاشقان را به ترازوی عقل مسنج که عشق از آن مژه بود که او را به ترازوی عقل بر توان ساخت» (عشق در ادبیات فارسی - ماندگار - فرهنگستان - هما جعفری)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مبانی و مباحث نظری

روان شناسی عشق

عشق یکی از شاکال وادگی های ناخود آگاه است که به بیماری های روانی شبیه می باشد منظور از عشق در اینجا، صورت شدید بروز غریزه جنسی است.

هر گاه انسان عاشق کسی شود او را مظهر کمال و جمال می داند و چهره حقیقی خود را از او بپوشاند سپس توسط مکانیسم همانند ساختن که ذکرش گذشت او را مانند خود و از خود می پندارد و در اثر بیگانگی وجود بیرونی آنها کامل می شود.

عاشق چون از معشوق جدانیست جهان را از دیده او می بیند و در راه او از هیچ مشکلی نمی هراسد و خود را به مخاطره می اندارد. (لیلی و مجنون - ویس و رامین - شرینی و فرهاد - زهره و منوچهر، یوسف و زلیخا، اتللو دزد مونا ف لیدی ها - میلتن و نلسون - سلیمان و بلقین سزار و کلوپاترا نمونه بارز عشق اند)

فروید گوید: عشق همانند ناخوشی های روانی است. در عشق من با من برتر ملحق شده، کمبور خود را از او می جوید و بکمک او شخصیت خود را کامل می کند بیماری عشق یکی از بیماری های سودمند است زیرا نتیجه آن کامگیری مثبت و ثمربخش میسازد از مسیری اصلی زندگی منحرف می شود و چه بسا نتواند حصول مقصود نماید در این صورت زحمتی بیهوده کشیده و زندگی را بیهوده گذرانده است.

نصراله باب الحوائجی، ۱۳۴۷ : ۱۴۶)

عشق را از دریچه نگاه فروید ببینیم:

فروید عشق را یک مرحله از امور جنسی معرفی کرده بود ولی در پایان عمر و پس از کسب اطلاعات کافی اعلام داشت که اطلاعات در مورد عشق ناچیز است.

فروید در کتاب تمدن و ملامت های آن می نویسد:

شهل انگاری زبان در استفاده از نظر تکوینی توجیه پذی راست - عشق به رابطه ی میان زن و مرد که بر اساس نیاز جنسی شان خانواده تشکیل داده اند اطلاق می شود. اما به احساسات مثبت بین والدین و فرزندان و خواهران و برادران در خانواده نیز گفته یم شود. هر چند ما این روابط را باید به عنوان در عشقی که از به هدف رسیدن آن جلوگیری شده است یا به عنوان مهربانی توصیف می کنیم عشقی که زا به هدف رسیدن آن جلوگیری شده است در اصل همان عشق کاملاً حسی و هم عشقی که زا به هدف رسیدن آن جلوگیری شده است. هر از خانواده فراتر می روند و با کسانی که قبلاً غریبه بوده اند، روابط جدید به وجود آورد. عشق جنسی به ساختن بستگی های جدید خانوادگی منجر می شود. عشق که از به هدف رسیدن آن جلوگیری شده است به دوستی تبدیل می شود و اهمیت فرهنگی پیدا می کند، زیرا از بعضی از محدودیت های عشق جنسی معاف، مانند منحصر بودن معاف است.

یکی از مسائل که در عشق با آن مواجه هستیم کشمکش بین عشق و نفرت است.

فروید در این رابطه در یکی زا آثار خود می نویسد.

اگر عشق از ارضا محروم گردد، به ساد

ی می تواند در بخشی از خود به صورت نفرت معکوس شود و شاعران به ما می گویند که در طوفانی ترین مراحل عشق این رو احساس متضاد تا مدتی همچون رقبایی ثابت قدم پهلو به پهلو دیگر بقا می یابند. ولی همزیستی مزمن عشق و نفرت، آن هم وقتی که هر دو معطوف به یک نفر هستند و هر دو به شدیدترین درجه هستند ما را متعجب نمی کند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

باید متوقع بودیم که این عشق پرشور مدت ها قبل نفرت یاد شده را مغلوب کرده و یا در کام آن فرو رفته باشد و در حقیقت نیز این بقای اضداد تحت شرایط روانی خاص و با تشریک مساعی وضعیت امور در ناخودآگاه امکان پذیر است. عشق موفق به خاموش ساختن نفرت نگردیده بلکه فقط آن را به درون ناخودآگاه (که از تخریب شدن به دست عملکردهای خودآگاه مصون است) قادر به بقا و رشد است.

در چنین موقعیت هایی عشق خودآگاه معمولاً (از باب عکس العمل) شدت فوق العاده زیاد پیدا می کند تا بدین وسیله آن قدر قوی گردد که بتواند همیشه ضدش را در واپس زدگی نگه دارد. شرط لازم برای وقوع چنین وضعیتی در زندگی عشق فرد، ظاهر این است که درستی بسیار کم، در نخستین سال های کودکی اش، این رو احساس متضاد از یکدیگر انشا پیدا می کنند و یکی از آنها (معمول نفرت) واپس زده شود. فریود تقابل عشق و نفرت را در پدید آمدن «روان رنجوری» در افراد بررسی می کند.

می نویسد:

«رابطه بین عشق و نفرت مهم ترین و مشخص ترین خصوصیت روان رنجوری و سوای است ولی قراردادن مسئله انتصاب روان رنجوری در ارتباط با زندگی غریزی اغوا کننده است؛ دلایل کافی وجود دارد که از پیمودن چنین خز سیری خودداری می کنیم. زیرا به خاطر داشته باشیم که در هر روان رنجوری ما با همان غرایز سرکوب شده در پس پرده علایم مواجه می شویم.»

روی هم رفته ، تنفر (سرکوب نگه داشته شده در ناخودآگاه به توسط عشق) نقش مهمی در بیماری زایی هیتری و پارانوئیا ایفا می کند. ما به قدرس از ماهیت عشق کم اطلاعیم که نیم توانیم در اینجا به نتیجه مشخص دست یابیم. به خصوص رابطه ی بین عامل منفی در عشق و جزء سادستی لیبدو کامل مبهم باقی می ماند (نوشته شده در یکشنبه بیست و ششم خرداد ۱۳۹۲ ساعت ۱۳:۲۵ توسط جدید الورود روانشناسی - عشق از دیدگاه فریود)

عشق از دیدگاه ایرج (اطلاعات و داده ها)

مفهوم و معنای عشق در آیین تفکرات شاعر از سه جهت قابل بررسی است مفاهیمی هم چون عشق به مادر - عشق به معشوق و یا معشوقه و هم چنین عشق به میهن، همانطور که زا زندگی شاعر پیداست ایرج شاعری واقع گرا و رئالیست بوده که این تفکرات خود را در قالب ساده نویسی بیان می دارد. ایرج انسانی بوده که بعد از شکست های متعدد (همچون مگر فرزند و مرگ پدر و همسر) و. هم چنین فضای اجما به مرور زمان دچار یأس و ناامیدی شده بود و این تفکرات و حال ناخوش و تناقض گویی های شاعر در اشعار او (خصوص در شعر انقلاب ادبی هویداست. ایرج در دورانی زندگی می کرد که همه چیز در حال تحویل بود و به همین خاطر شاعرانی که در آن دوره به عنوان متجدد اشعاری می سرودند بافت سنتی فضای مذهبی جامعه را که با خرافات آمیخته بود خصوصاً حجاب را زیر سوال می بردند. مسلم است که در چنین فضایی دین و معنویات به عقب رانده یم شود و شاعران متجدد هم برای آنکه از این قطار تجدد عقب نماند همراه و همیار این قطار می شدند. دلیل اینکه دین در حاشیه قرار می گیرد طبیعی است که عرفان و عشق عرفان هم کم رنگ شود. و از آبیایی که شاعر مورد نظر هم چیز را در قالب واقعیت و به صورت عینی می نگریست لذا دور از انتظار است که عشق عرفانی که در اشعار ایرج میرزا جایی داشته باشد. به دلیل نبود اعتقادات پایدار و کافی عشق عرفانی در شعر ایرج دیده نمی شود. اگرچه ایرج در اواسط عمر خود ارادت و علاقه خود را به شخصیت های دینی ابراز داشته و هم چنین برخی از کارهای قبیح مثل نوشیدن شراب که در این با آنها مبارزه شده مبارزه کرده اما همه اینها عشق و ارادت قلبی مورد بحث ما نسبت به دین نیست به دین نیست. اما با کمی دقت متوجه می شویم که از آن جایی که نقش تربیت از دوران کودکی در اشعار ایرج به طور قابل ملاحظه ای برجسته بود لذا در اشعار خود کودکان را طوری آماده می کند. که

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

از همان کودکی قدردان زحمت های پدر و مادر خود باشند و عشق خود را تقدیم به آنان کنند در بیت های زیر این دو مفهوم قابل تامل است.

با چشمم ادب نگر پدر را	از گفته او مپیچ سسر را
با مادر خویش مهربان باش	اماده خدمتش به جان باش
چون این دو شوند از تو خرسند	خرسند شود ز تو خداوند

همانطور که قابل مشاهده است شاعر ماحصل مهر و عشق به پدر و مادر را خوشنودی آنان می داند که نتیجه آن خرسندی و رضایت خداوند از بنده اش می باشد. نکته دیگری که شایان توجه است این است که این شعر در زمان سروده که مشاعر هنوز اعتقادات مذهبی خود را حفظ کرده بود.

عشق به مادر در اشعار ایراج مشکل برجسته تری دارد. آن چیزی که می توان گفت این است که ایرج هنگامی که از پدر سخن می گوید تنها فقط با احترام از او یاد می کند ولی آن هنگام که به مادر می رسد سخن از عشق و مهر و محبت مادر و فرزندی است.

عشق به مادر در اشعار ایرج (تجزیه و تحلیل)

«ظاهراً ایرج از نعمت داشتن مادری مهربان برخوردار بوده است و از این جهت هنگامی که از مادر و مهر او رنج هایی که این فرشته رحمت برای پروردن فرزند خویش تحمل می کند سخن در میان می آورد، کلام وی چنان موثر است که بی اختیار اشک را در چشم خواننده می آورد در حقیقت قطعاتی که ایرج در این باب سروده از لحاظ حسن تاثیر در ادب فارسی نظیر ندارد قطعه «گویند مرا چو زاد مادر» از قطعات جاویدان شعر فارسی است. و «قلب مادر» او را کم تر کودک فارسی زبان دبستانی و دبیرستانی در ایران هست که بارها نشنیده باشد در آنجا که بنده اطلاع دارد، در هر مدرسه که جشن فرهنگی معتقد می شود، یکی از قطعاتی که تقریباً همیشه به شکل «دو کلامسیون» اجرا می شود همان قلب مادر ایرج است، علاوه بر این دو قطعه، قطعه های دیگری نیز در همین معنی در دیوان ایراج وجود دارد، مانند قطعه ایی که با این بیت آغاز می شود:

پسر رو قدر مادر دان که دایم کشد رنج پسر بیچاره مادر

(علی دهبای، ۱۳۸۷: ۵۲)

عشق به مادر در اشعار ایرج شکل برجسته ای دارد و علاقه قبلی او به مادر مقدم بر علاقه قبلی به پدر است. در واقع او رنج هایی را که مادر می کشد را غیر قابل جبران می داند. در شعر ایرج خود ویژگی و نیروی تاثیر خاصی دارد. و بی آشنا به پیکولوژی مادر است. در یکی از آثار خود، محبت پدر و مادر را با هم می سنجد و مهر مادر و رنج ها و زحمت های وی را بالاتر و برتر می شمارد.

پسر رو قدر مادر دان که دایم	کشد رنج پسر بیچاره مادر
برو پیش از پدر خواهش، که خواهد	تو را پیش از پدر، بیچاره مادر
ز جان محبوب تر دارش، که داردت	ز جان محبوب تر، بیچاره مادر
نگه داری کند نه ماه و نه روز	تو را چون جان به بر، بیچاره مادر

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

از این پهلوی به ان پهلوی نغلتد شب از بیم خطر، بیچاره مادر

نظرگاه پرورش کودک با روح مادر دوستی، در آثار ایرج میرزا از سنتی کهن تغذیه می شود در مشرق زمین مادر در زندگی خانواده نفوذ و اقرامی خاص دارد. فرزندان که به حرف مادر گوش می کنند و احترام او را نگه می دارند سعادت مند می شوند پرورشی نیک می یابند. مادر با روح حساس خود، در جست و جوی راه های پریچ و خم سعادت، با همه نیرویش در سایه کمال فرزند خود می کوشد. قصد شاعر از تبلیغ مهر مادری، آن است که کودکان تعلیم و تربیت درست یابند. (علی دهباشی، ۱۳۸۷ - صفحه ۲۵۱)

ایرج قطعه ای به نام قلب مادر دارد که برگرفته از متن آلمانی است که شاعر در مسابقه ای که در آن ملک الشعراء بهار هم شرکت داشت آن را به حالت نظم و شعر گونه در می آورد و به خاطر حسن تاثیر آن مقام اول را به دست می آورد. در این شعر به خوبی رابطه دو سویه عشق دیده می شود اول معشوقه ای در وجود عشق عاشق خود شک می کند و با خدعه ای ناپردانه او را وامیدارد که چنانچه که اگر مرا دوست می داری برو و قلب مادرت را از سینه برون آور و برای من بیاور. عاشق نادان هم برای ابراز عشق خود و اینکه نشان دهد که چقدر عاشق هم نوع و معشوقه خود است سینه مادر را می شکفاد و قلب او را از آن برون کشیده و در همین حین که پسر از خانه خارج می شود زمین می خورد و در این هنگام مادر که بدنی نیمه جان دارد اوج عشق خود را به فرزند خود ابراز می دارد و با گفتن شبه جمله و جمله ای حس عاطفی همگان را برمی انگیزد آن جمله این است «آخ دست پدرم یافت خراش» در واقع ایرج با مقایسه عشق مادر به فرزند نسبت به عشق عاشق به معشوق این موضوع را پیش می کشد که هیچ چیزی قابل مقایسه با عشق مادر به فرزند نیست.

عشق به میهن

یکی دیگر از توصیه های ایرج میرزا آن است که کودکان را با روح میهن پرستی پرورش دهیم. به نظر او میهن مادر دومی کودک است و می باید از سال های آغازین حیات روح میهن در او دیده شود. میهن نیز به اندازه مادر بر گردن فرزند حق دارد. البته خیلی ها ایرج را به عنوان یک عاشق ناسیونالیست قبول ندارند. دکتر باقری صدری نیا ایرج را ناسیونالیست وطن خواه می داند و نه؟؟ ناسیونالیست، و این چنین اذعان می دارد که علاقه او به میهن در میان علایق او شان و مقام والایی ندارد. البته این به آن معنی نیست که تمایلات وطنخواهانه هیچ گونه جلوه و انعکاس در شعر او نیافته است، بلکه در چند مورد کاملاً مشخص و قابل شمارش می توان از چنین تمایلاتش در کلام او سخن گفت.

عشق مجازی (عشق انسانی)

ایرج، قبل از هر چیز عاشقی خیال پرست و کمال جوست و چون هستی را چنانکه می خواهد نمی یابد طنز و عزل را مانند سلاحی برای انتقام گرفتن از آن به کار می برد و اگر هر آینه، هستی به شکلی که دلخواه اوست در آید حاضر است که سلاح را فرو گذارد و با حریف آشتی کند. جهان یا زندگی معشوق بی وفا و تند خوی اوست و او سلاح طنز، و هزل را بیدن امید بر ضد معشوق خود به کار می برد که در خلق خویش تاثیر کند و طبعش را به

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

صورتی دلخواه بگرداند. اما این کوشش، خود دلیل بر آن است که چنین کسی، هنوز دل از معشوق بر گرفته. چند بیتتی از عشق ایرج میرزا را با هم بررسی می کنیم:

آن شفقت ها کز مادر دیدی و پدر	تر و خشک کنم ان سان که فراموش کنی
سینه پیش آرم تا تکیه دهی بر وی سر	شب اگر بینم کز خواب گران گشته سرت
تا تو برسینه ام آرامی شب تا به سحر	نفس آهسته کشم، دیده به هم نگذارم

(صفحه ۱۶۱ و ۱۶۲)

حتی اگر با این نگرش به این موضوع بنگریم که ایرج هیچ وقت عشق را تجربه نکرده با این حال با وجود چنین ابیاتی می توان پی ببریم که شاعر عشق را تجربه کرده و یا اگر هم تجربه نکرده به صورت ناخودآگاه نیاز خود را به معشوق و همدمی مهربان بیان کرده است. از آنجا که طبق نظرات روان کاوانه فروید ناخودآگاه انسان راهی است برای شناخت روحیات افراد پس یکی از راههایی که می توان پی به نیازهای بعضی ناخودآگاه شاعر پی برد شعر و ادبیات کلامی اوست. از این طریق است که حتی در صورت نداشتن تجربه عشق به صورت خفیف، بازهم این نیاز را در اعماق وجود شاعر حس می کنیم.

عشق و هوس در شعر زهره و منوچهر ایرج

مثنوی زهره و منوچهر یکی از شاهکار ادبی و ترجمه ای و برگردان یکی از اشعار غرب یاست که از شکسپیر الهام گرفته شده است که در آن ایرج به طرز زیبایی هنر خود را به رخ می کشد. منظومه زهره و منوچهر، نمونه درخشان این تغزل طنز آمیز است. ایرج هم نیروی تخیل و طنز خود را با ظرافت ها و نکته سنجی های خاص در این اثر به کار برده. اصل داستان همان ونوس و آرونیس اثر شکسپیر است اما ایرج با کمی تغییر محیط جغرافیای ایران را برای فضا سازی شعر بر می انگیزد. در واقع منوچهر نوجوان شانزده ساله و معجوبی است که از طریق قراین می توان این حدس را زد که منوچهر در واقع همان نوجوانی ایرج است که در شانزده سالگی ازدواج کرده و بسیار هم متین و موقر بوده این امکان وجود دارد که شاعر به طور ناخواسته در پی این باشد که نیاز خود به عشق و عشق بازی را در دوران نوجوانی پس از سالیان دراز به صورت داستان در قالب فرآیند تصعید (والایش) بیان دارد. حقیقت این است که عشقی که در اینجا از آن صحبت می شود در واقع همان صحبت نیاز و کشش جنسی است که فروید در سال های گذشته آن را بیان و شکل گیری عشق را محدود به کشش جنس میان زن و مرد دانسته که به شکل گیری خانواده منجر می شود. اما چیزی که مورد توجه است این است که عشق بازی جایگزین عشق واقعی و حقیقی شده و در واقع زهره که مریخ یا مارس و خدای جنگ را که با سلاح عشق مغلوب کرده بود از آسمان ها به زمین آمده و به منوچهر دل می بندد و می کوشد تا منوچهر جوان را پس از چرب زبانی و عشوه گری بسیار به دام خود درآورد که در نهایت هم موفق می شود. این مثنوی ناتمام نشان دهنده کشش جنسی و صحنه های اروتیکی است که شهوت غالب را نشان می دهد و سخن از عشق تنها بهانه ای برای رسیدن به کام گیری و عشق بازی است.

نتیجه مقاله

ایرج میرزا شاعری توانمند بوده که در اشعار خود از مفاهیم مختلفی، چون تربیت کودکان، مسائل اجتماعی به زبان طنز و هزل و هجو و عشق و ... سخن گفته است. در این مقاله مفهوم عشق ایرج مورد بررسی قرار گرفته است. اما نتایجی که

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

از این مقال به دست می آید به طور خلاصه این طور بیان می شود که عشق هنوز هم در شعر ایرج جز در شعر قلب مادر آن چنان که باید شکل عمیق و گسترده ای ندارد و در برخی موارد هوس و شهوت های جنسی نسبت به جنس مخالف عشق محسوب شده است اما از آنجایی که ما از طریق روان کاوی فروید به این موضوع نگرینیم لذا با تعریفات فروید عشق چیزی جز کشش جنسی نیست که زن و مرد را در کنار هم قرار می دهد توانستم بر مفهوم عشق آمیخته با هوس ایرج را از این طریق تطبیق دهیم. پیشنهاداتی که بنده دارم این است که چه بهتر آن که نقدهای روان کاوانه به طور دقیق تر و بیشتر وارد ادبیات شود و از مفاهیم ادبی همچون عشق، عقل و ... از دیدگاه روانشناسی صحبت شود. مشکلاتی که باعث شده بود که کمی از کار به تعویق بیفتد نبود عدم منابع کافی، به دلیل عدم شناخت بزرگان ادبیات در این زمینه بوده است و کمتر کتابی بوده که از ترکیب مفاهیم ادبیات و هنر و روان شناسی در نوشته های خود استفاده کرده باشد به همین خاطر این معضل کمی کار بنده را در جمع آوری مقاله سخت کرده است.

منابع

دیوان اشعار حافظ

باب الحوائجی - نصر الله (۱۳۴۷) - فروید چه می گوید: تهران: انتشارات دریا

جعفری - هما مجله ماندگار - فرهنگستان

دهباشی - علی (۱۳۸۷) - سیری در زندگی و آثار ایرج میرزا: تهران: اختران

شریعت کاشانی - علی (۱۳۹۲) - روان کاوی و ادبیات و هنر، از فروید تا ژاک دریدا - تهران - نظر دیوان ایرج میرزا

فروید - زیگموند (عنايت : ترجمه) زندگی من و پیکا نالیز ، تهران: انتشارات شهريار

اسدی، فهیمه، ۱۳۹۴، دلایل اجتماعی گرایش ایرج میرزا به ادب غنایی

ریحانی اردبیلی، عظیمة و بدلی، نفیسه، ۱۴۰۰، بررسی تطبیقی مضامین اجتماعی در اشعار ایرج میرزا و حافظ

ابراهیم، نهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران

سلیمان پور، مریم و کمرپشتی، عارف، ۱۴۰۱، تحلیل مولفه های مکتب رمانتیسم در منظومه های غنایی «زهره و

منوچهر» ایرج میرزا و «ایرج و هوبره» قاسم لارین

صادق زاده، محمود و حیدری نیا، هادی و یغمایی، شکوفه، ۱۴۰۱، بررسی کهن الگوی زن اغواگر در مثنوی «زهره و

منوچهر» ایرج میرزا

صارمی، سهیلا، ۱۳۸۶، کارکرد زبان در شعر ایرج میرزا،

طیب زاده، امید، ۱۴۰۱، از ونوس و آدونیس شکسپیر تا «زهره و منوچهر» ایرج میرزا: پژوهشی در ادبیات تطبیقی

علی بخشی، فاطمه و عین علیلو، علی، ۱۴۰۱، واکاوی «خردورزی و دانایی» در شعر ایرج میرزا با تکیه بر روانشناسی

مثبت نگر، هفتمین کنفرانس بین المللی مطالعات زبان و ادبیات، تهران

کمرپشتی، عارف و سلیمان پور، مریم، ۱۴۰۰، تحلیل موسیقی معنوی منظومه های غنایی زهره و منوچهر» ایرج میرزا و

«ایرج و هوبره» قاسم لارین، دهمین همایش ملی متن پژوهی ادبی فرهنگ، هنر و ادبیات عامه، تهران